

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳۲

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- ۷ **تبیین اصول مقررات‌گذاری بانکی در پرتو نظام حقوقی ایران**
دکتر علی اکبر گرچی - دکتر هدیه سادات میرترابی
- ۳۷ **تعیین مسؤوّل حادثه رانندگی از میان مالک و راننده اتومبیل با نگاهی به قانون بیمه اجباری**
مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی
دکتر حمید بهرامی احمدی - رضا آقاعباسی
- ۵۹ **مبنا و حدود مسؤوّلیت مدنی پیمانکار**
شهرام کریمی تازه کند - دکتر محمود عرفانی - دکتر جواد واحدی زاده
- ۹۹ **حقوق بین الملل معاصر: حقوق مبتنی بر تعامل یا تعارض؟**
دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد - دکتر هاله حسینی اکبرنژاد
- ۱۲۹ **بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۸۵۲ قانون مدنی**
دکتر سید محمدصادق طباطبایی - فاطمه کریمی
- ۱۴۵ **اصول استقلال و بی طرفی در رادیو و تلویزیون‌های خدمت عمومی با تأکید بر ایران**
نفیسه معارفی
- ۱۷۷ **تعیین نظام حقوقی حاکم بر پروازهای تفریحی فضایی**
امینه فراستمند
- ۲۰۹ **بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت**
دکتر حمید میری - سیروس شهربازی - مصطفی عابدین پور
- ۲۴۵ **بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران از منظر معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه**
سید یاسین حسینی
- ۲۶۹ **بررسی نظام حقوقی بیمه‌های خدمات درمانی در ایران با مقایسه بیمه‌های درمانی در آمریکا**
دکتر عمران نعیمی - محمد شریفی سلطانی
- ۲۹۳ **تأثیر قوانین مربوط به تملک املاک بر معاملات املاک شهری**
شهناز سیف‌الهی





بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران از منظر معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه

سید یاسین حسینی*

چکیده:

حوزه‌بندی انتخابات مجلس از مهمترین مراحل اجرایی انتخابات مجلس بوده و در صورت ترسیم صحیح می‌تواند تأثیرات مثبتی را بر نتیجه انتخابات و ترکیب پارلمان داشته و مشروعیت مردم‌سالاری را به ارمغان آورد. چنین امری مستلزم رعایت معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه در تعیین حدود حوزه‌های انتخاباتی می‌باشد. در این راستا و در جهت رسیدن به هدف مذکور حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در ایران با تحولات رو به رشدی همراه بوده است. لکن با نگاهی به تغییرات حوزه‌بندی انتخابات مجلس در قوانین انتخاباتی ایران از صدر مشروطیت تاکنون به مشکلات و نواقصی در این خصوص برمی‌خوریم. از این روی در این مقاله ابتدا به بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در ایران پرداخته و سپس به تحلیل این موضوع از منظر معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها:

انتخابات آزاد و منصفانه، حوزه‌بندی انتخاباتی، نظام انتخاباتی، مجلس شورای اسلامی، قوانین انتخاباتی.

مقدمه

جهت اجرای انتخابات و تعیین تعداد کرسی‌های پارلمان نیازمند تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخابیه می‌باشیم. این محدوده‌های جغرافیایی به عنوان بستری جهت انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی می‌باشند.

در ایران حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه از اولین قانون انتخابات تا قوانین فعلی دستخوش اصلاحات و تغییرات چندی شده است که اکثر آنها بر پایه جمعیت و تعداد کرسی‌های مجلس با در نظر گرفتن تقسیمات کشوری بوده است.

قانون انتخابات هر کشوری باید با معیارهای جدید آن جامعه همخوانی داشته و به روز باشد. قانون انتخابات ایران مربوط به یک قرن پیش بوده و در طول این یک قرن از لحاظ ساختاری تغییر چشمگیری نداشته است. بدیهی است انتخاباتی که با چنین قانونی برگزار گردد، دارای همه اوصاف انتخابات آزاد و منصفانه نمی‌باشد.

از طرفی امروزه معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه جزء حقوق ذاتی شهروندان و مورد حمایت نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. این معیارها بر اهمیت مشارکت سیاسی و نقش احزاب در انتخابات، برابری جمعیت و اعتبار آراء و حقوق انتخاباتی اقلیت‌های قومی و مذهبی در حوزه‌های انتخابیه تأکید فراوان داشته‌اند.^۱

لذا با توجه به اثرات مهم تغییرات حوزه‌بندی انتخابات مجلس در تمام مراحل انتخابات و اهمیت رعایت معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه در راستای ترسیم این حوزه‌ها، ضرورت انجام تحقیقی مبسوط در این زمینه احساس می‌گردد. مقاله پیش رو مشتمل بر دو بخش می‌باشد. در بخش اول با پیشینه و شاخصه‌های تعیین حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در ایران آشنا شده و در بخش دوم ضمن معرفی معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه به ارزیابی آنها در قوانین انتخاباتی ایران پرداخته می‌شود.

۱. جمشید ایرانی، «معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه»، *روزنامه مردم سالاری*، ۲/۱۱/۱۳۸۰، ۵.

۱- پیشینه و شاخصه‌های تعیین حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران

اصطلاح حوزه‌بندی انتخابات یا تعیین محدوده قلمروهای انتخاباتی برای تعیین تعداد کرسی‌های پارلمان در هر محل یا منطقه، اشاره به رویه‌های طراحی حوزه‌های انتخابیه و تقسیم‌بندی کرسی‌های مناسب با مناطق مختلف در کشور دارد.^۲

در این بخش ضمن بررسی اجمالی تحولات حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در ایران و توضیح مختصر عوامل تأثیرگذار در روند تعیین حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران، به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که آیا وجود نواحی انتخاباتی بر نتیجه انتخابات تأثیرگذار می‌باشند؟

۱-۱- سیر تحولات حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران

«تقسیم سرزمین و جمعیت کل کشور به حوزه‌های انتخاباتی، نخستین گام به منظور تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت هر حوزه انتخاباتی می‌باشد».^۳

در این قسمت با نگاهی اجمالی به بررسی تحولات و تغییرات حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در قوانین انتخاباتی مجلس از اولین قانون انتخابات تا قانون فعلی انتخابات پرداخته می‌شود.^۴

۱-۱-۱- حوزه‌بندی انتخابات در قوانین انتخاباتی عصر مشروطه

۱-۱-۱-۱- نظام‌نامه انتخابات اصنافی

نظام‌نامه انتخابات اصنافی به عنوان اولین قانون انتخابات مجلس شورای ملی به فاصله ۱۵ روز بعد از تشکیل اولین مجلس موقتی در تاریخ ۱۰/۰۶/۱۲۸۵ هجری شمسی تدوین گردید. به موجب این نظام‌نامه، انتخابات در سراسر کشور طبقاتی اعلام شد و همه اقشار مردم در آن شرکت نداشتند.^۵ در نظام‌نامه انتخابات اصنافی، کشور بر اساس جمعیت تخمینی به ۱۳

۲. حسن خسروی، *حقوق انتخابات دموکراتیک* (تهران: مجد، ۱۳۸۷) ویرایش اول، ۲۲۶.

۳. سید ابوالفضل قاضی، *بایسته‌های حقوق اساسی* (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ویرایش اول، ۳۱۵.

۴. لازم به ذکر است اولین قانون انتخابات مجلس، نظام‌نامه انتخابات اصنافی و قانون انتخابات فعلی، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ هجری شمسی می‌باشد.

۵. برای مثال زنان از حق انتخاب کردن و نامزدی در انتخابات محروم بودند، سن انتخاب‌کنندگان بالاتر از ۲۵

سال بود و ملاکین و فلاحین در صورتی از حق انتخاب کردن برخوردار بودند که صاحب ملکی به ارزش ۱۰۰۰

حوزه تقسیم شد و حدود حوزه‌های انتخابی با توجه به جمعیت کشور و تعداد نمایندگان به صورت چند کرسی و به طور مساوی بین ۶ و ۱۲ کرسی تعیین شد.^۶ تنها استثناء حوزه تهران بود که دارای ۶۰ نماینده در مجلس گردید. همچنین عده نمایندگان مجلس شورای ملی ۲۰۰ نفر تعیین گردید.

در این نظام‌نامه انتخابات در ایالات و ولایات به صورت دو درجه‌ای بود.^۷ بدین صورت که در شهرهای جزء هر ایالت، هر طبقه یک نفر را انتخاب کرده و به کرسی ایالت می‌فرستادند. سپس این منتخبین به عده‌ای که در جدول نظام‌نامه برای هر ایالت در نظر گرفته شده بود، برای حضور در مجلس شورای ملی رأی می‌دادند. تنها، انتخابات در تهران به صورت یک‌درجه‌ای برگزار می‌گردید.

۱-۱-۲- نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای

دومین قانون انتخابات مجلس در ایران تحت عنوان نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای برخلاف نظام‌نامه انتخابات اصنافی با فصول و مواد نسبتاً زیادی در سال ۱۲۸۸ تهیه و در تدوین آن، نظام‌نامه انتخابات اصنافی مبنا قرار داده شد و برگزاری انتخابات به صورت دو درجه گردید. برابر جدول منضم شده به نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای، کشور به ۴۰ حوزه انتخابیه تقسیم می‌شد، همچنین عده نمایندگان ۱۲۰ نفر تعیین و تعداد نمایندگان تهران از ۶۰ نفر در نظام‌نامه انتخابات اصنافی به ۱۵ نماینده تقلیل پیدا کرد. تساوی ۶ و ۱۲ تعداد نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه در نظام‌نامه انتخابات اصنافی تغییر کرده و به حوزه‌های تک‌کرسی و چندکرسی تبدیل شدند.^۸ چون مطابق ماده دوم اهمیت محلی یک منطقه در تعداد نمایندگان آن مؤثر بود، ایالاتی که در تحولات سیاسی دوره مشروطیت اهمیت زیادی پیدا کرده بودند، دارای سهم نمایندگی بیشتری گردیدند.^۹

تومان باشند. لازم به ذکر است که بانوان در ایران تا سال ۱۳۴۳ و تصویب قانون شرکت بانوان در انتخابات از این حق محروم ماندند.

۶. علی احمدی، *انتخابات در ایران* (تهران: میزان، ۱۳۸۹)، ویرایش اول، ۱۵۹.

۷. امروزه گرایش عمده به سمت انتخابات یک‌درجه‌ای می‌باشد و انتخابات دودرجه‌ای به موارد نادر و خاص خلاصه گردیده است.

۸. در نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای از ۴۰ حوزه انتخابیه، ۱۸ حوزه تک‌کرسی و ۲۲ حوزه چندکرسی بودند.

۹. ایالت آذربایجان نمونه‌ای از این ایالات بود.

در نظام‌نامه انتخابات دو درجه به مسئله اقلیت‌های مذهبی و قومی نیز توجه شده بود، به نحوی که ایلات بزرگ بختیاری، شاهسون، قشقایی، خمسه و ترکمن برای نخستین بار دارای حق نمایندگی در مجلس شدند و هرکدام یک نماینده به مجلس شورای ملی می‌فرستادند و عشایر دیگر در حوزه‌های مربوطه در انتخابات شرکت می‌کردند. همچنین اقلیت‌های دینی ارامنه، کلدانی، زرتشتی و کلیمی نیز هرکدام دارای یک نماینده در مجلس گردیدند و بدین ترتیب حق رأی دادن و انتخاب شدن به آنان اعطاء گردید. نکته قابل تأمل در خصوص حوزه‌بندی انتخاباتی در نظام‌نامه انتخابات دو درجه، ماده دوم این نظام‌نامه می‌باشد، چرا که بر مبنای آن در تقسیم نمایندگان ملت علاوه بر جمعیت تخمینی ولایات، اهمیت محل نیز در نظر گرفته شده بود. در حالی که به اعتقاد ما ملاک تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه بر اساس اهمیت حوزه انتخابیه منصفانه به نظر نمی‌رسد، چرا که همه نقاط کشور برابرند و نباید نقطه‌ای را نسبت به نقطه دیگری ترجیح داد. همچنین نظام‌نامه انتخابات دو درجه با در نظر گرفتن حوزه‌های انتخابیه معین برای اقلیت‌های عشایر و مذهبی زمینه افزایش مشارکت مردم در انتخابات را به نحو بارزتری فراهم کرده بود.

۱-۱-۳- قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی

سومین قانون انتخابات ایران مصوب نمایندگان دومین دوره مجلس شورای ملی در سال ۱۲۹۰ بود. بر اساس این قانون، انتخابات در سراسر کشور برای نخستین بار به صورت یک‌درجه‌ای برگزار گردید. مطابق قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی کشور به ۳۶ حوزه انتخاباتی تقسیم شده و ۱۲۰ نفر وکیل برای مجلس در نظر گرفته شد، ولی هنگام تقسیم‌بندی حوزه‌ها ۱۳۶ نماینده تعیین گردید.

با اصلاح قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۳۳۶ عده نمایندگان از ۱۳۶ نفر به ۲۰۰ نماینده افزایش پیدا کرد. سپس بر اساس مصوبه دهم تیر ماه ۱۳۴۶ مجلس شورای ملی تعداد نمایندگان به ۲۶۸ نفر ارتقاء یافت، اما حوزه‌های انتخابیه اصلاح نگردید.^{۱۰} در این قانون هرکدام از ایلات بزرگ همانند قانون انتخابات قبلی، همچنان دارای یک نماینده بودند و سهم اقلیت‌های مذهبی در داشتن کرسی نمایندگی محفوظ مانده بود.

چنانچه ملاحظه می‌شود در این قانون به دلیل برگزاری انتخابات به صورت یک‌درجه‌ای اعتماد بیشتری به عامه انتخاب‌کنندگان شده و به تبع این مطلب افزایش مشارکت سیاسی را

نیز به همراه داشته است، علاوه بر آن کاهش تعداد حوزه‌های انتخابیه علی‌رغم افزایش تعداد نمایندگان به نسبت قانون قبلی، باعث ادغام برخی حوزه‌های هم‌جوار با یکدیگر و در نتیجه بزرگی وسعت آنها گردیده که با توجه به امکانات اندک جهت برگزاری انتخابات در آن دوران این مسئله مشکلاتی را جهت تسریع و سهولت در اجرای انتخابات به وجود می‌آورد.^{۱۱}

این قانون در تعیین حدود حوزه‌های انتخابی و تعداد نمایندگان با تغییرات اندک ذکر شده به عنوان قانون پایه انتخابات مطرح بود، تا اینکه بعد از اصلاحات قانون اساسی و افزایش جمعیت در سال ۱۳۵۰ علاوه بر افزایش تعداد نمایندگان، تغییراتی نیز بر اساس قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۵ در تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه صورت پذیرفت و مطابق جدول جدید، تعداد حوزه‌های انتخابیه به ۱۷۸ حوزه انتخابی رسید.

در پایان با توضیحات ارائه‌شده در این قسمت می‌توان چنین نتیجه گرفت که حوزه‌بندی انتخابات در قوانین انتخاباتی عصر مشروطه به طور کامل با اصول انتخابات آزاد و منصفانه مانند اصول استقلال و بی‌طرفی، برابری اعتبار و عیار رأی، اصل نمایندگی و عدم تبعیض به خصوص در قوانین ابتدایی همخوانی نداشته و در آنها مسائلی مانند حقوق انتخاباتی همه اقلیت‌های قومی و مذهبی رعایت نگردیده بود. افزون بر آن در تمام قوانین انتخاباتی عصر مشروطه تأثیر فشارهای سیاسی در امر تدوین این قوانین و به تبع آن تعیین حوزه‌های انتخابیه مشهود می‌باشد.

۱-۱-۲- حوزه‌بندی انتخابات در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی

۱-۱-۲-۱- قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب

مطابق جدول ضمیمه قانون مذکور کشور به ۱۹۳ حوزه انتخابی تقسیم شده بود. به نحوی که ۱۵۶ حوزه ۵+ حوزه مربوط به اقلیت‌های مذهبی به صورت تک‌کرسی و ۳۲ حوزه نیز به صورت چندکرسی تعیین گردیده بودند. بر اساس این قانون تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی جمعاً ۲۷۰ نفر در نظر گرفته شد. در این قانون سهم اقلیت‌های مذهبی از کرسی‌های مجلس نسبت به قوانین قبلی انتخابات به تعداد یک نماینده بیشتر شد، به ترتیبی که زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی جمعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هرکدام یک نماینده به مجلس روانه می‌کردند.

۱۱. به عنوان نمونه حوزه انتخابیه خراسان و سیستان در قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی از ادغام حوزه انتخابیه خراسان و حوزه انتخابیه سیستان و قانات در نظام‌نامه انتخابات دو درجه تشکیل شده است.

نکته قابل توجه در قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب عدم لحاظ سهم نمایندگی مجزا برای ایلات بود که به اعتقاد ما به دلایل گسترش شهرنشینی و اسکان عشایر و در پی آن نزدیکی فرهنگ عشایر کوچ‌نشین سابق به فرهنگ شهرنشینی، دیگر لزومی برای در نظر گرفته شدن کرسی اختصاصی مجزا برای ایلات احساس نمی‌شد. لذا ایلات نیز همانند بقیه رأی‌دهندگان در حوزه‌های انتخابیه از طریق رأی دادن، نماینده به مجلس می‌فرستادند.

با نگاهی به این قانون و همچنین با تطبیق جدول حوزه‌های انتخابیه این قانون با قانون سلف خود نتیجه گرفته می‌شود که مواد این قانون در واقع تکمیل‌کننده قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی با در نظر گرفتن هدف تثبیت و استحکام پایه‌های جمهوری اسلامی و حذف مقامات عالی‌مقام رژیم سابق بوده و حوزه‌های انتخابی آن عموماً بر پایه جدول حوزه‌های انتخابی سال ۱۳۵۰ می‌باشد، به نحوی که اکثر حوزه‌های انتخابی آن بدون تغییر باقی مانده است.

۱-۲-۲- قوانین انتخاباتی مصوب مجلس شورای اسلامی

الف - قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی^{۱۲}

در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ تعداد حوزه‌های انتخاباتی به ۱۹۶ حوزه افزایش یافت که از این بین ۱۶۶ حوزه +۵ حوزه مربوط به اقلیت‌های دینی به صورت تک‌کرسی و ۳۶ حوزه به صورت چندکرسی نماینده به مجلس می‌فرستادند. مطابق قانون مذکور عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر می‌باشد و افزایش تعداد آنها بر اساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی خواهد بود.

حوزه‌های انتخابیه در این قانون تغییرات ساختاری چندانی با قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب نداشته است، اما حوزه‌های انتخابیه مجلس از تاریخ ۱۳۶۶/۰۱/۳۰ با همان تعداد قبلی بر اساس قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی ترسیم گردید. این قانون تا به حال مبنای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابی مجلس بوده است. مطابق قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی

۱۲. عنوان رسمی این قانون با اقتباس از اصول قانون اساسی، قانون انتخابات مجلس شورای ملی کشور جمهوری اسلامی ایران بود که در جلسه نوزدهم مجلس و قبل از تصویب آیین‌نامه داخلی آن نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت. ما نیز در این تحقیق از عبارت مجلس شورای اسلامی استفاده می‌کنیم.

مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۱۷ انتزاع و الحاق واحدهای تقسیمات کشوری بجز روستا و دهستان خارج از محدوده حوزه‌های انتخاباتی ممنوع می‌باشد.

ب - قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی

این قانون در حال حاضر قانون اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌باشد. در قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸ کشور به ۲۰۷ حوزه انتخابیه تقسیم شده و تعداد کل نمایندگان ۲۹۰ نفر تعیین شده است.^{۱۳}

از آنجایی که افزایش تعداد نمایندگان مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظامی حداکثر ۲۰ نفر بود و در سال ۱۳۷۸ ده سال از تاریخ همه‌پرسی سپری شده بود، این افزایش در تعداد نمایندگان به وجود آمد.^{۱۴} این پرسش در اینجا به وجود می‌آید که چرا نمایندگان محترم مجلس در قبل از بازنگری سال ۱۳۶۸ و با وجود گذشت ده سال از تاریخ آخرین تغییر حوزه‌ها در سال ۱۳۵۸ و آن هم در صورتی که مطابق اصل مذکور در آن زمان پس از هر ده سال در حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شد و با در نظر گرفتن افزایش یک و نیم برابری جمعیت در این فاصله به اصل ۶۴ قانون اساسی ترتیب اثری نداده بودند؟

این قانون در مقایسه با قوانین قبلی دمکراتیک‌ترین قانون می‌باشد، با این وجود چنانچه در ادامه بیان می‌گردد، این قانون نیز خالی از اشکال نمی‌باشد. در پایان با ارزیابی و تطبیق قوانین انتخابات مجلس در بعد از انقلاب اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که همه آنها در امر حوزه‌بندی تقریباً یکسان بوده و هر قانون با تبعیت از قانون قبلی سبک و سیاق یکسانی را در حوزه‌بندی دنبال کرده است. گذشته از این بر این باوریم که سیر تحولات حوزه‌بندی انتخاباتی در ایران نشان از رشد جامعه مدنی و رشد روند مردم‌سالاری در ایران دارد.

۱۳. لازم به ذکر است که در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ لایحه‌ای با عنوان لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها به مجلس تقدیم شد که در صورت تصویب در مجلس تعداد حوزه‌های انتخابیه به ۲۲۳ حوزه و تعداد نمایندگان به ۳۱۰ نماینده افزایش می‌یافت.

۱۴. ساعد و کیل، امیر، پوریا عسگری، *قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی* (تهران: مجد، ۱۳۹۱)، ویرایش چهارم، ۲۸۲-۲۷۹.

۱-۲- بررسی عوامل تعیین‌کننده حوزه‌بندی انتخابات در قوانین انتخاباتی قوه مقننه ایران

در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف متناسب با شرایط فرهنگی، اقلیمی، جغرافیایی و سیاسی عوامل چندی جهت شکل‌گیری بنیادهایی برای تعیین حوزه‌های انتخابیه وجود دارند. کشور ما به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیای طبیعی و انسانی و سکونت اقوام گوناگون در مناطق مختلف پیچیدگی‌های خاص کارکردی را در امر حوزه‌بندی انتخابات مجلس داشته است. در ذیل به اختصار به توضیح چهار عامل برجسته تعیین‌کننده حوزه‌بندی انتخاباتی قوه مقننه در قوانین انتخاباتی ایران پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی و مذهبی

در قانون دوم و سوم انتخابات مجلس برای پنج ایل عمده^{۱۵} ذکرشده هرکدام یک کرسی نمایندگی در مجلس شورای ملی در نظر گرفته شد تا از این طریق به آنها «در توزیع قدرت سیاسی سهمی داده شود و انگیزه و عطش قدرت‌طلبی، نظامی‌گری، شجاعت و دلاوری آنها، نهادینه شود و در یک مسیر درست و معقول قرار بگیرد».^{۱۶}

همچنین بر اساس جدول منضم به نظام‌نامه انتخابات دو درجه و قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی ملل متنوعه آرامنه، کلدانی، زرتشتی و کلیمی هرکدام دارای یک سهم نمایندگی در مجلس شورای ملی بودند. این امر در قوانین انتخابات مجلس در بعد از انقلاب اسلامی بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ و تجدیدنظر آن در سال ۱۳۶۸، با در نظر گرفته شدن تعداد پنج کرسی نمایندگی مجلس برای اقلیت‌های مذهبی ادامه پیدا نمود.^{۱۷}

این نحوه تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخابیه در جوامع امروزی با عنایت به تأکید بر برابری انسان‌ها با یکدیگر در قوانین اساسی همه کشورهای دیگر جایگاهی نخواهد داشت، البته حفظ و تضمین حقوق اقلیت‌ها را در این راستا نباید با مطلب گفته‌شده جمع نمود.

۱۵. ایلات مورد اشاره بختیاری، شاهسون، قشقایی، خمسه و ترکمن بودند.

۱۶. مجید سائلی کرده ده، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷)، ویرایش اول، ۱۹۶.

۱۷. بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی ... زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هرکدام یک نماینده را می‌توانند، انتخاب نمایند.

۱-۲-۲- عوامل جغرافیایی

در این معیارها حوزه‌های انتخابیه بر اساس مرزهای طبیعی یا اداری مشخص می‌گردند. این معیار خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱-۲-۲-۱- معیارهای مربوط به مرزهای جغرافیایی

در این معیارها حوزه‌های انتخابیه بر اساس مرزهای طبیعی مانند رودخانه‌ها، رشته‌کوه‌ها و ... یا برحسب مرزهای اداری موجود مانند حوزه‌های ایالتی و استانی یا شهرداری مشخص می‌گردند. معمول‌ترین نوع این معیارها مرزهای اداری می‌باشد.

در نظام‌نامه انتخابات اصنافی و نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای و عمومی کرسی‌های نمایندگی منطبق بر مرزهای اداری ایالات و ولایات بود. حوزه‌های انتخابیه در قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی نیز تا حدودی با مرزهای اداری منطبق بود، اما بر اساس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ و ۱۳۷۸ اکثر حوزه‌های تک‌کرسی یک‌نماینده‌ای بر مرزهای اداری منطبق نمی‌باشند و در برخی موارد دو یا سه و حتی چهار شهرستان یک حوزه انتخابیه تک‌کرسی را تشکیل می‌دهند.

۱-۲-۲-۱- معیارهای مربوط به شکل و اندازه جغرافیایی

در این معیارها حوزه‌های انتخابیه بر اساس عواملی نظیر پراکندگی جغرافیایی، دورافتاده بودن مناطق و دسترسی جغرافیایی تعیین می‌گردند. به عبارت دیگر نزدیکی و مترکم بودن نقاط به عنوان شرط تعیین حوزه‌های انتخابیه در نظر گرفته می‌شود. از این معیار تا به حال در ایران استفاده نشده است. در پایان این بند می‌توان چنین استنتاج نمود که معیارهای جغرافیایی نقش تأثیرگذاری در تعیین حوزه‌بندی ایفاء نموده و از بسیاری از مشکلات احتمالی جلوگیری به عمل می‌آورند. به عنوان نمونه تعیین حوزه‌بندی بر مبنای مرزهای اداری و نزدیکی مناطق به یکدیگر به دلیل تشابه بافت اجتماعی و فرهنگی و حتی شباهت‌های قومی، از بروز تنش و درگیری‌های احتمالی جلوگیری کرده و افزایش مشارکت سیاسی مردم را در پی خواهد داشت. علاوه بر آن حوزه‌بندی حوزه‌های انتخابیه بر مبنای مرزهای اداری به دلیل مشخص و ملموس بودن محدوده این مرزها، از لحاظ ساختاری کار تعیین حوزه‌ها را تسهیل کرده و به دلیل تمرکز تصمیم‌گیری در حوزه اجرا، روند برگزاری انتخابات را مناسب‌تر می‌نماید. البته لازم به ذکر است که برای رسیدن به موارد گفته‌شده نیاز به ترکیب نمودن این معیارها با معیارهای جمعیتی می‌باشد که در مبحث بعدی به توضیح در این خصوص می‌پردازیم.

۱-۲-۳- جمعیت

مهمترین و معمول‌ترین معیاری که جهت تعیین حوزه‌بندی انتخابات در اغلب کشورها پذیرفته شده معیارهای جمعیتی می‌باشد. بر اساس این معیار حوزه‌های انتخابیه برحسب میزان جمعیت که اغلب به صراحت در قوانین انتخاباتی آمده است تعیین می‌شود.^{۱۸} همچنین سعی بر آن است که این حوزه‌ها از لحاظ جمعیتی و شمار رأی‌دهندگان تا حد امکان با همدیگر برابر باشند. البته از آنجایی که امکان برابری مطلق وجود ندارد تا درصد کمی انحراف از این معیار پذیرفته شده است. این انحراف در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. برای مثال در استرالیا و ایران انحراف ۱۰ درصدی پذیرفته شده است.

عامل جمعیت همواره به عنوان تأثیرگذارترین عامل در تعیین حوزه‌های انتخاباتی در ایران بوده و عملاً تاکنون به عنوان پایه و اساس تعیین حوزه‌های انتخابیه مطرح بوده است. به نحوی که تغییر در ترکیب جمعیت به میزان مشخص شده در قوانین، همواره تغییر حوزه‌ها را نیز به دنبال داشته است؛ بر همین پایه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و نود نفر تعیین شد که متناسب با افزایش جمعیت کشور از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ قانون اساسی پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عواملی که پیشتر ذکر گردید، حداکثر ۲۰ نماینده می‌تواند اضافه گردد. چنانچه ملاحظه می‌گردد در قوانین انتخاباتی عصر مشروطه به خصوص قوانین ابتدایی، علی‌رغم تأکید قانون‌گذار در متن قانون انتخابات مبنی بر تعیین تعداد نمایندگان مجلس بر مبنای جمعیت کشور و حتی افزایش تعداد حوزه‌ها متناسب با افزایش تعداد جمعیت، در برخی موارد به تساوی جمعیت در حوزه‌ها توجه نشده و فقط ملاک‌های سیاسی مدنظر قرار گرفته است. برای مثال با وجود اینکه نظام‌نامه انتخابات دو درجه تنها با فاصله ۳ سال بعد از نظام‌نامه انتخابات اصنافی تدوین شده و در این فاصله تغییرات چشمگیری در جمعیت کشور به وجود نیامده بود، چنانچه ذکر گردید در مقایسه با قانون قبلی تفاوت‌های چشمگیری در تعداد نمایندگان برخی از حوزه‌ها مانند حوزه انتخابیه تهران و آذربایجان داشت. این تناقض در قانون انتخابات یک‌درجه‌ای و عمومی نیز مشهود می‌باشد.^{۱۹}

۱۸. حمیدرضا رحمانی‌زاده دهکردی و پدram سعید، «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه»، مجله مجلس و پژوهش ۳۶ (۱۳۸۱)، ۱۴۹.

۱۹. جواد اطاعت، «قوانین و نظام انتخابات در دوران مشروطه»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۲۲۷ (۱۳۸۵)، ۲۳۰-۲۲۷.

در قوانین انتخاباتی بعد از انقلاب اسلامی این مطلب به طور نسبی رعایت شده است، اما علی‌رغم موارد ذکر شده مشخص نیست که چرا در پاره‌ای موارد این عامل در تعیین حوزه‌های انتخابیه جدید به درستی لحاظ نگردیده است. به عنوان نمونه در این خصوص می‌توان حوزه‌های انتخابیه مربوط به اقلیت‌های دینی را در نظر گرفت. در این زمینه، علی‌رغم افزایش جمعیت این گروه چه بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی در قبل از بازنگری و چه پس از بازنگری، تعداد حوزه‌های انتخاباتی و کرسی‌های آنها تا به حال به مانند قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ می‌باشد. با کمال تعجب به این مطلب در قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن مصوب سال ۱۳۷۸ و حتی در لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها که با هدف توزیع متناسب و منصفانه کرسی‌های نمایندگی میان حوزه‌های انتخابیه در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ به مجلس تقدیم شد نیز توجه نشده است.^{۲۰}

۱-۲-۴- نظام انتخاباتی^{۲۱}

نهاد انتخابات مهم‌ترین رکن نظام‌های مردم‌سالار می‌باشد و نظام انتخاباتی نیز مهم‌ترین رکن هر قانون انتخابات به شمار می‌آید و در دموکراسی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. بررسی قوانین انتخاباتی کشورهای دنیا مؤید این مطلب است که نظام‌های انتخاباتی در جهان به طور کلی به دو گروه اصلی نظام‌های اکثریتی و تناسبی تقسیم می‌شوند. البته نوع سومی از نظام‌های انتخاباتی تحت عنوان نظام انتخاباتی مختلط نیز وجود دارد که نظام واحدی محسوب نمی‌شود، بلکه ترکیبی از دو نظام ذکر شده می‌باشد.^{۲۲}

از آنجایی که نظام انتخاباتی تابع عوامل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی هر کشور می‌باشد. لذا هیچ روش انتخاباتی واحدی وجود ندارد که برای همه کشورهای قابل اجرا باشد. نظام‌های انتخاباتی ترکیبی یا مختلط و تناسبی غالباً دارای حوزه‌های انتخابی بزرگ و چند کرسی می‌باشند.^{۲۳} با بررسی حوزه‌های انتخابیه مجلس در ایران روشن می‌گردد که در کشور

۲۰. به عنوان نمونه چهار استان زنجان، مرکزی، گیلان و کردستان علی‌رغم افزایش جمعیت در طی بیست سال گذشته نماینده‌ای به حوزه انتخابیه‌شان افزوده نشده است و در این لایحه نیز به همین طریق عمل شده است.

21. Electoral System.

۲۲. حجت‌الله ایوبی، اکثریت چگونه حکومت می‌کنند (تهران: سروش، ۱۳۸۲)، ویرایش دوم، ۵۵.

۲۳. حجت‌الله ایوبی، «ویژگی‌های نظام انتخاباتی کارآمد»، روزنامه جام جم ۰۲/۰۸/۱۳۸۹، ۸.

ما به دلیل اعمال نظام انتخاباتی اکثریتی در تمام قوانین انتخاباتی مجلس تا به حال و تناسب بیشتر این نظام با حوزه‌های تک‌کرسی بجز در تهران و چند شهر بزرگ، حوزه‌های انتخابیه اغلب با وسعت کوچک‌تر حدودبندی شده و رفته‌رفته از وسعت آنها کاسته شده است، به طوری که در حال حاضر بیش از دو سوم حوزه‌های انتخابی تک‌کرسی بوده و دارای یک نماینده در مجلس می‌باشند.

۲- معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه و ارزیابی آنها در قوانین انتخاباتی قوه مقننه ایران

در این بخش ابتدا به معرفی معیارهای حوزه‌بندی انتخابات پرداخته می‌شود و در ادامه ضمن ارزیابی این معیارها در قوانین انتخاباتی مجلس در ایران به دو پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که آیا قوانین انتخاباتی ما در تعیین حوزه‌های انتخابیه معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه را رعایت نموده‌اند؟ یا قوانین انتخاباتی ما در حوزه‌بندی انتخابات به چه میزانی این معیارها را محقق ساخته‌اند؟

۲-۱- معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه

طراحی حوزه‌های انتخاباتی باید با توجه به اصول و روش‌های علمی و منصفانه انجام گیرد؛ چرا که چگونگی مرزهای این حوزه‌ها تأثیر مستقیمی بر نتایج انتخابات خواهد داشت. بی‌توجهی به این مطلب می‌تواند منجر به پیدایش وضعیت مرزبندی جانبدارانه و سهمیه‌بندی ناعادلانه گردد.

در راستای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه و برخی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و همچنین اعلامیه اتحادیه بین‌المجالس راجع به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه (۱۹۹۴ پاریس) با معیارهای چندی مانند حقوق انتخاباتی، حقوق و تکالیف نامزدی، حزبی و مبارزات انتخابی، حقوق و مسؤولیت کشورها آشنا می‌شویم. این معیارها امروزه با وجود نوپا بودن مورد قبول و حمایت افکار عمومی و جامعه بین‌المللی قرار گرفته و در قوانین اساسی کشورها نیز تضمین شده است.^{۲۴} در ذیل از میان این معیارها به سه معیار مرتبط با حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه پرداخته می‌شود.

۲۴. گای اس گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*. ترجمه و تحقیق سید جمال

سیفی و سید قاسم زمانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، ۱۳۷۹)، ویرایش اول، ۱۵.

۲-۱-۱- استقلال، انصاف و بی‌طرفی در تعیین حوزه‌های انتخابیه

از آنجایی که آزادی مشارکت شهروندان یکی از اصول پایه‌ای دموکراسی می‌باشد هرگونه اقدام حکومتی که عقیده و آزادی مردم را در این راستا خدشه‌دار نماید و آنها را با یک دموکراسی هدایت‌شده وارد عرصه سیاست نماید، باعث خارج شدن دموکراسی از شکل حقیقی آن می‌شود و یک دموکراسی مصنوعی را به وجود می‌آورد. لذا تصمیم‌گیری در خصوص حوزه‌بندی انتخاباتی باید بدون فشارهای جنبی و سیاسی و توسط نهادها یا مقامات بی‌طرف و مستقل صورت گیرد. عدم توجه به مطلب ذکرشده عدالت انتخاباتی را خدشه‌دار می‌کند و باعث می‌گردد که منتخبین به عنوان نمایندگان واقعی مردم تلقی نگردند. این موضوع نقض حقوق انتخاباتی گروه‌ها و اقلیت‌ها را نیز به همراه دارد. در اکثر کشورها امر تعیین حوزه‌های انتخابیه به عهده پارلمان بوده و با تصویب قانون خاص عمل تعیین حوزه‌های انتخابیه صورت می‌پذیرد. برخی از کشورها نیز این امر را به کمیسیون‌های متخصص و مستقل از حکومت واگذار کرده‌اند.^{۲۵}

تبدیل آراء به کرسی انتخاباتی در حوزه‌های تک‌عضوی به موقعیت و شرایط حدود حوزه انتخاباتی بستگی دارد. در واقع این مرزها بر الگوی جغرافیایی رأی‌دهندگان حزبی تحمیل شده است. مشکلی که در این ارتباط به وجود می‌آید، این است که برای یک الگوی مشابه آراء بر اساس چگونگی ترسیم حدود نواحی انتخاباتی، می‌توان نتایج انتخاباتی متفاوتی را به صورت کرسی ارائه کرد.^{۲۶}

از طرفی رأی‌دهندگان با توجه به مکانی که در آن زندگی می‌کنند، دچار تبعیض می‌گردند که این تبعیض به دو صورت نمایان می‌شود. حالت اول تسهیم نامتناسب^{۲۷} و حالت دوم تبعیض در حدودبندی انتخاباتی به صورت ترسیم دقیق حدود مرزی انتخاباتی با هدف تأمین منافع گروه یا حزب خاص می‌باشد که در اصطلاح به آن گری ماندرینگ^{۲۸} گفته می‌شود. این پدیده تا به حال در تعیین حوزه‌های انتخابیه در ایران به طور صریح مورد استفاده قرار نگرفته است، اما پیچیدگی حوزه‌بندی برخی مناطق باعث به وجود آمدن مواردی از اعمال گری ماندرینگ در آن مناطق گردیده است. برای مثال در حال حاضر «گروه قومی ترکمن در

۲۵. احمد مرکز مالمری، «انتخابات آزاد و منصفانه»، مجله مجلس و پژوهش ۴۶ (۱۳۸۴)، ۸۰-۷۹.

۲۶. پی.جی.تایلور، آر.جی.جانستون، جغرافیای انتخابات. ترجمه و تحقیق زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری

(تهران: قومس، ۱۳۸۶)، ۲۸۶.

27. Malapportionment.

28. Gerrymandering.

استان گلستان با وجود داشتن ۳۶ درصد جمعیت استان حدود ۲۰ درصد نمایندگان استان را به خود اختصاص داده است».^{۲۹}

ما معتقدیم برای جلوگیری از اعمال چنین پدیده‌ای در سیستم‌های انتخاباتی باید حوزه‌های انتخابیه تا حد امکان بر مرزهای اداری و اجرایی منطبق بوده، جمعیت حوزه‌های انتخابیه برابر یا نسبتاً برابر و واحدهای اداری میان حوزه‌های انتخاباتی در مجاورت هم قرار گرفته و این واحدها بین دو حوزه انتخاباتی تقسیم نشده باشند.

۲-۱-۲- برابری جمعیت و اعتبار رأی

مهمترین معیار در ترسیم حوزه‌های انتخابیه تساوی جمعیتی است که در تمام دنیا پذیرفته شده است، اما ممکن است که معیار فوق به طور دقیق به کار برده نشود. به همین خاطر چشم‌پوشی‌هایی در حدودبندی دقیق حوزه‌های انتخابیه بر اساس جمعیت صورت می‌گیرد. این معیار ارزش انسان را در هر مکان بر اساس اصل تساوی و بدون در نظر گرفتن عوامل نژادی و قومی و زبانی در نظر می‌گیرد. بر این اساس هرچه حوزه‌ها از نظر جمعیتی برابر باشند، قدرت حوزه‌ها در زمان رأی‌گیری نیز برابر خواهد شد.

یکی از اصول بنیادین و ارزشی نظام‌های دموکراتیک و انتخابات آزاد و منصفانه، حفظ برابری منافع همه شهروندان است. چنین امری مستلزم داشتن حوزه‌های انتخاباتی با جمعیت برابر می‌باشد. از طرفی هدف از انتخابات در بیشتر کشورها تعبیه و کاربری سیستمی می‌باشد که در آن هر فرد بالغ دارای یک رأی با وزن برابر با رأی‌های دیگران باشد. تحقق این هدف در انتخابات پارلمانی کشورها مستلزم ترسیم دقیق حوزه‌های انتخاباتی آنها می‌باشد.

در واقع برابری اعتبار رأی بدین معناست که ارزش رأی هر رأی‌دهنده در حوزه انتخابیه باید به گونه‌ای باشد که با سایر حوزه‌ها برابر و دارای تأثیر یکسان در نتیجه انتخابات باشد. این عدم تبعیض به خصوص در مورد اقلیت‌های قومی و مذهبی باید مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل نیز در قوانین انتخاباتی اکثر کشورها به طور معمول حوزه‌های انتخابیه این اقلیت‌ها یا به صورت مجزا در نظر گرفته می‌شود و یا تسهیلات خاصی را برای آنها در نظر می‌گیرند. برابری اعتبار و ارزش آرای رأی‌دهندگان به خصوص در مقایسه حوزه‌های

۲۹. زهرا احمدی‌پور، محمدرضا حافظ‌نیا و عبدالوهاب خوج ملی، «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای سطوح

تقسیمات کشوری مطالعه موردی شهرستان‌های استان فارس»، فصلنامه ژئوپلیتیک ۱۴ (۱۳۸۸)، ۳۸.

تک‌کرسی و چندکرسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، به نحوی که نباید تفاوت ارزشی بین رأی آنها در حوزه‌های تک‌کرسی و چندکرسی وجود داشته باشد و افراد در هر دو حوزه به نسبت جمعیشان از نمایندگی برخوردار گردند تا قدرت رأی‌دهی آنها از این طریق با هم برابر باشد.

۲-۱-۳- حفظ منافع گروه‌های ذی‌نفع

برای رسیدن به انتخاباتی دمکراتیک، ضروری است اصل نمایندگی در عوامل تعیین‌کننده حوزه‌بندی انتخابات رعایت گردد، تا منافع گروه‌های مختلف جامعه حفظ گردد. نخستین بار توماس هابز فیلسوف انگلیسی، مفهوم نمایندگی را مطرح کرد. اصل نمایندگی سنگ‌بنای مشارکت غیرمستقیم مردم در اداره حکومت از طریق نمایندگان خویش می‌باشد.^{۳۰} بر پایه این اصل لازم است تمام گروه‌ها و طبقات اجتماعی و اقلیت‌های قومی و مذهبی موجود در جامعه از حق دارا بودن نماینده در پارلمان برخوردار باشند، به نحوی که نمایندگان پارلمان متشکل از همه قشرها و افراد جامعه باشند و پارلمان همانند آینه تمام‌نمای طیف‌های گوناگون جامعه باشد. در واقع مراد از حفظ منافع گروه‌های ذی‌نفع این است که هر گروه و قشر امکان داشتن نماینده را در پارلمان دارا باشند. این امر حتی در قوانین اساسی کشورها نیز گنجانیده می‌شود. بی‌توجهی به حقوق انتخاباتی اقلیت‌ها از طریق فراهم نکردن امکان حضور آنها در پارلمان علاوه بر مغایرت با اصول انتخابات آزاد و منصفانه میزان مشارکت این طیف جمعیتی را در انتخابات کاهش می‌دهد. به اعتقاد ما برای برون‌رفت از این مشکلات در ترسیم حوزه‌های انتخابیه دو راهکار را می‌توان به مرحله اجرا گذاشت: راهکار اول این است که تا حد امکان ترسیم حوزه‌ها به نحوی صورت گیرد که این اقلیت‌ها در حوزه‌ها از نظر آماری پتانسیل پیروز شدن در انتخابات را داشته باشند. راهکار دوم در نظر گرفتن سهم یا کرسی خاصی از نمایندگی در مجلس برای این گروه جمعیتی می‌باشد که به نظر می‌رسد هر دو راهکار در جایگاه خود تأثیرگذار می‌باشند، اما به طور حتم تلفیق دو راهکار ذکرشده به مقصود نزدیک‌تر می‌باشد. بنابراین با دستکاری در تدوین حوزه‌بندی انتخابات نباید امکان و فرصت داشتن نماینده از گروهی از افراد در جامعه سلب گردد.

۳۰. حسین بشیریه، درس‌های دموکراسی برای همه (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱)، ویرایش دوم، ۱۰۸.

۲-۲- ارزیابی معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه در قوانین انتخاباتی قوه مقننه ایران

جهت پاسخ‌گویی به این پرسش که حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در کشور ما تا چه میزان معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه را محقق ساخته است، در قالب سه قسمت مجزا، توضیحاتی به شرح زیر داده خواهد شد.

۲-۲-۱- سیر نزولی تأثیر نهادهای حکومت در تعیین حوزه‌های انتخابیه

جهت تعیین حوزه‌های انتخابیه به صورت دقیق و درست، مسؤولان امر باید با بی‌طرفی در تقسیم جمعیت برحسب حوزه‌ها ملاحظات سیاسی و حزبی را کنار بگذارند. برای رسیدن به این مهم درج اصول حوزه‌بندی در متن قوانین اساسی راه‌گشا می‌باشد، اما این مطلب علاوه بر مزیت خارج کردن اختیار از دست حکومت ممکن است نوعی انعطاف‌ناپذیری را به وجود آورد و چون جمعیت در درون تقسیمات اداری یا به دلیل مهاجرت از یک حوزه به حوزه دیگر افزایش یا کاهش می‌یابد، توازن در برابری جمعیت را بهم می‌زند.^{۳۱}

نظام‌نامه انتخابات اصنافی و جدول حوزه‌های انتخابیه منضم به آن توسط هیئتی ۳۰۰ نفره به دعوت دربار قاجاریه تدوین گشت.^{۳۲} این هیئت مرکب از شاهزادگان قاجار، روحانیون، بازرگانان و کاسبان بازار بود، اما تأثیر نهادهای دربار در تدوین نظام‌نامه قابل اغماض نبود. نظام‌نامه انتخابات دو درجه و عمومی نیز توسط یک هیئت ۲۱ نفره مرکب از اعضای شورای دولتی و ملیون تدوین شد و سپس به توشیح محمدعلی شاه رسید. اگرچه این هیئت تشکیل‌شده از ملیون نیز بود، اما اعضای شورای دولتی همگی منصوب شخص شاه بودند. قانون انتخابات یک درجه و عمومی نیز با وجود تصویب توسط مجلس شورای ملی به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی آن روزگار و تأثیر و فشار دربار بر مجلس تا حدودی از استقلال در تدوین به دور بود.

اولین قانون انتخابات مجلس در بعد از انقلاب اسلامی نیز توسط شورای انقلاب تدوین گشت که با اندکی تأمل در این قانون شور هیجانی ناشی از انقلاب به نحو چشمگیری در آن مشاهده می‌شود. در این میان قانون جدول جدید حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی

۳۱. سید ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: میزان، ۱۳۸۳)، ویرایش یازدهم، ۶۰۴.

۳۲. اوین اوژن، *ایران/امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، سفرنامه و بررسی‌های سفیر ایران در فرانسه، ترجمه و تحقیق علی

اصغر سعیدی (تهران: نشر زوار، ۱۳۶۳)، ۲۲۰.

مصوب ۱۳۵۰، قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶ و قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها مصوب ۱۳۷۸ توسط نمایندگان مجلس به تصویب رسیده است. با نگاهی به قوانین انتخاباتی ذکر شده و تأمل در اشکالات اجرایی آنها در طول برگزاری انتخابات در ایران، درمی‌یابیم که هرگاه قوانین انتخاباتی که دربرگیرنده جداول حوزه‌های انتخابیه نیز بوده‌اند، توسط نهادهای متخصص مانند مجالس و کمیسیون‌های مستقل به تصویب رسیده دارای اشکالات اجرایی کمتری بوده است. بنابراین روند تأثیر نهادهای حکومت بر امر تعیین حدودبندی حوزه‌های انتخابیه از اولین قانون انتخابات تا قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی یک روند کاهشی بوده است.

۲-۲-۲- برابری نسبی جمعیت و عدم توازن نسبی اعتبار آراء در حوزه‌های انتخابیه

به طور کلی در ایران همواره سعی بر این بوده است که تقسیم نمایندگان مجلس بر اساس جمعیت تخمینی یا آخرین سرشماری کشور باشد و در این راستا تلاش شده است که تا حد امکان حوزه‌های انتخابیه از لحاظ جمعیتی با همدیگر برابر باشند. البته این موضوع گه‌گاه تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و جغرافیایی نیز قرار گرفته است.^{۳۳}

کنکاش در قوانین انتخاباتی ایران نوعی عدم توازن در خصوص ارزش رأی شهروندان در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی و تک‌کرسی را به ذهن متبادر می‌سازد. به عبارت دیگر رأی یک شهروند در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی نسبت به حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی بالارزش‌تر جلوه می‌نماید. در قوانین انتخاباتی ایران تعداد کرسی‌های نمایندگی در حوزه انتخابیه تهران همواره اختلاف فاحشی با حوزه‌های شهرهای دیگر داشته است. برای نمونه در نظام‌نامه انتخابات اصنافی بیش از $\frac{1}{3}$ نمایندگان مجلس شورای ملی منتخب حوزه انتخابیه تهران بودند. بر این اساس با مدنظر قرار دادن نظام انتخاباتی اکثریتی، یک فرد رأی‌دهنده مطابق این قانون در تهران در انتخاب بیش از $\frac{1}{3}$ نمایندگان مجلس سهیم می‌بود. بنابراین ارزش رأی وی در مقایسه با شخصی که در یک حوزه انتخابیه تک‌کرسی شرکت داشته به مراتب بیشتر بوده است. به همین علت نتایج انتخابات تهران همیشه نقش

۳۳. نمونه آن افزایش یکباره تعداد نمایندگان ایالت آذربایجان در نظام‌نامه انتخابات دو درجه و عمومی یا دارا بودن ۱۸ نماینده در هرکدام از سه استان فارس، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی با جمعیت‌های ۴/۳، ۳/۶، ۵/۵ میلیون نفر در قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۷۸ می‌باشد.

تأثیرگذاری در ترکیب مجالس قانون‌گذاری ایران داشته است. این مشکل در قوانین انتخاباتی بعدی نیز کم و بیش وجود داشته است. یکی از اشکالات وارده بر قانون انتخابات مصوب مجلس شورای اسلامی نیز همین مسئله می‌باشد. مطابق این قانون یک انتخاب‌کننده واجد شرایط در شهر تهران می‌تواند با یک رأی خود، در انتخاب ۳۰ نماینده مجلس تأثیرگذار باشد. بنابراین هر شهروند تهرانی به ۳۰ نماینده دسترسی دارد و از ۳۰ نماینده منتفع می‌شود، در حالی که در حوزه انتخابیه شیراز یک رأی قدرت تأثیر بر سرنوشت ۴ کرسی نمایندگی را دارا می‌باشد. این دوگانگی عدم توازن اعتبار آراء را در پی خواهد داشت. وجود چنین اشکالات و نواقص ذکرشده دیگر نمایندگان محترم مجلس را بر آن داشت که قانون انتخابات جدیدی را در قالب طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی با اهداف تغییر در نظام انتخاباتی و حوزه‌های انتخاباتی فعلی به تصویب برسانند که با ایرادات مکرر شورای نگهبان این امر عملی نگردید.^{۳۴}

۲-۲-۳- حقوق انتخاباتی اقلیت‌های قومی و مذهبی و مهاجرین

کاربرد نظام انتخاباتی اکثریتی باعث می‌گردد، اقلیت‌ها از لحاظ حقوق انتخاباتی در وضعیت نامساعدی قرار گیرند. در این نظام هر حزب یا گروهی که بیشترین رأی را به دست آورد، پیروز انتخابات می‌گردد. بنابراین این قشر از جامعه چون از نظر تعداد همیشه کمتر از دیگر اقشار جامعه می‌باشند، همواره شانس پیروزی در مبارزات انتخاباتی را تا حدود زیادی از دست داده‌اند. به همین دلیل در قوانین انتخاباتی اکثر کشورها همواره حقوق خاصی برای آنها در نظر گرفته شده است. در زیر به بررسی حقوق انتخاباتی اقلیت‌های قومی و مذهبی و مهاجرین در قوانین انتخاباتی ایران می‌پردازیم.

۲-۳-۱- حقوق انتخاباتی اقلیت‌های قومی و مذهبی

اصل بر این است که مذهب و قومیت عاملی در فعالیتهای سیاسی محسوب نشود، اما شایسته است که این اقلیت‌ها به دلیل در اقلیت بودن مورد حمایت واقع گردند. از مهمترین حقوق این اقشار جامعه حقوق انتخاباتی آنهاست. در ایران اقلیت‌های دینی تا قبل از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ مانند سایر مردم، تابع مشی سیاسی حکومت‌ها، احکام عالمان مسلمان و غیرمسلمان و تصمیمات فردی پادشاهان و امرای محلی بودند.

۳۴. این طرح تحت عنوان طرح تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی از اواخر دوره پنجم مجلس تا اواخر دوره هشتم در مجلس مطرح بود که در نهایت در اوایل سال ۱۳۹۰ از دستور کار خارج گردید.

در نظام‌نامه انتخابات اصنافی هیچ اشاره‌ای به اقلیت‌های مذهبی و قومی نشده و سهم نمایندگی خاصی برای آنها در نظر گرفته نشده بود. بر این اساس اقلیت‌های قومی و مذهبی نه از حقوق انتخاباتی بهره‌مند گشته و نه محروم شده بودند، اما در عمل به غیر از زرتشتیان این گروه از داشتن نماینده در مجلس محروم شدند.

در ایران به استثنای قانون دوم و سوم انتخابات که در آن هم فقط به ایلات عمده توجه شده بود به معیارهای قومی در حوزه‌بندی قوانین انتخاباتی توجه جدی ملحوظ نشده است و برای آنها سهمی از کرسی‌های نمایندگی در نظر گرفته نشده است. برای مثال در حال حاضر بر اساس جدول حوزه‌های انتخابیه فعلی و با اعمال نظام اکثریتی درصد قابل توجهی از کردها که در زمان پهلوی اول به شهرهای مختلف مازندران تبعید شده‌اند یا تعداد زیادی از بلوچ‌های تبعیدی ساکن در استان گلستان قادر به انتخاب نماینده از میان قومیت خود نمی‌باشند.

اولین بار اقلیت‌های مذهبی در نظام‌نامه انتخابات دو درجه و عمومی دارای سهم نمایندگی و حوزه‌های انتخابیه مجزا گردیدند. این رویه در همه قوانین انتخاباتی بعدی چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن ثابت مانده و اجرا شده است.

معیار دینی در حوزه‌بندی انتخاباتی مجلس شورای اسلامی برای اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی ایران به کار رفته است. به اعتقاد ما اتخاذ چنین شیوه‌ای برای دفاع از حقوق اقلیت‌های دینی در نظام قانون‌گذاری ایران یک امتیاز برجسته به حساب آمده و اهمیت آن زمانی دوچندان می‌شود که جمعیت کمتر از یک درصدی این اقلیت‌ها در نظر گرفته شود.

به طور کلی به نظر می‌رسد که در ایران اگر قرار بر این باشد که انتخابات اقلیت‌های دینی به صورت عمومی برگزار گردد، به احتمال قوی امکان داشتن نماینده از آنها سلب می‌گردد. این مطلب حتی از دید شورای محترم نگهبان نیز پنهان نماند و این شورا در بررسی ماده ۲۸ لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ تبصره ۱ یک این ماده که به اعتقاد اقلیت‌های دینی به دین خود اشاره داشت را به دلیل عدم تصریح قید داوطلبی این اقلیت‌ها در حوزه‌های مربوط به خود، مغایر اصل ۶۴ قانون اساسی که ناظر به این موضوع است، تشخیص داد.^{۳۵} چرا که بر اساس عرف حاکم اغلب مسلمانان به هم‌کیشان خود رأی می‌دهند.

۳۵. سید محمد خاتمی، «بررسی تحلیلی ایرادات شورای نگهبان به لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *مجله حقوق اساسی* ۱ (۱۳۷۲)، ۳۴۹.

۲-۲-۳-۲- حقوق انتخاباتی مهاجرین

کشورهایی که تعداد زیادی از اتباعشان در خارج از سرزمینشان زندگی می‌کنند باید تسهیلات ویژه‌ای را برای مشارکت این افراد در انتخابات فراهم نمایند. اکثر کشورها از طریق سازوکار رأی دادن غیابی چنین تسهیلاتی را برای اتباع مقیم خارج از کشور قائل شده‌اند. در انتخابات مبتنی بر حوزه‌های نمایندگی خاص مانند انتخابات مجلس کار به مراتب دشوارتر می‌گردد، زیرا کسانی که سال‌های متمادی دور از حوزه انتخابی خود بوده‌اند تعلق و ارتباط چندانی به آن حوزه نخواهند داشت. از طرفی عدم مشارکت این افراد در انتخابات موجب به هدر رفتن حق رأی آنها می‌گردد.

در حال حاضر به دلیل سکونت تعداد زیادی از اتباع کشورمان در سایر کشورها و یا به طور مثال هم‌زمانی مراسم معنوی حج با برگزاری انتخابات مجلس، خود به خود تعداد قابل توجهی از رأی‌دهندگان از مشارکت در انتخابات محروم می‌گردند. لذا به جهت جلوگیری از وقوع مشکلات یادشده سازوکار رأی وکالتی و مکاتبه‌ای می‌تواند تأثیرگذار باشد. این مطلب در قوانین انتخاباتی اکثر کشورهای دنیا در جهت استفاده از حداکثر ظرفیت رأی‌دهندگان پذیرفته شده است.^{۳۶}

نتیجه

حوزه‌بندی انتخابات به عنوان یکی از مهمترین ارکان انتخابات آزاد و منصفانه محسوب گردیده و در صورت طراحی صحیح می‌تواند تأثیرگذاری مثبتی بر نتایج انتخابات داشته باشد. تحقق چنین امری مستلزم رعایت معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه، علاوه بر اصولی که تا به حال به عنوان مبنای حوزه‌بندی مدنظر قرار گرفته است در حدودبندی حوزه‌های انتخابیه می‌باشد.

بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه در ایران از این منظر در قوانین انتخاباتی عصر مشروطه و جمهوری اسلامی ایران قابل ارزیابی می‌باشد. در این راستا حوزه‌بندی انتخابات در عصر مشروطه به خصوص در قوانین اولیه با معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه هم‌خوانی نداشته است و تأثیر فشارهای سیاسی بر امر تعیین حوزه‌های انتخابیه مشهود می‌باشد که این مطالب تأثیرات منفی‌ای مانند کاهش مشارکت سیاسی مطلوب را در انتخابات به همراه داشته است. در زمینه میزان انطباق شرایط حوزه‌های انتخاباتی مجلس با معیارهای

حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که روند حرکت تغییرات حوزه‌های انتخاباتی در راستای انطباق با معیارهای استاندارد حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه بوده است که این موضوع نشان از رشد روند مردم‌سالاری در کشور دارد.

از طرفی سیر قوانین انتخاباتی مجلس نشان از مشکلاتی مانند شکاف‌های منطقه‌ای و جغرافیایی، عدم توازن اعتبار آراء در حوزه‌ها، شکاف‌های قومی و قبیله‌ای و کارکرد نامطلوب احزاب در حوزه‌های انتخابیه را دارد که در راستای حل این مشکلات و به منظور تسریع در حرکت به سوی معیارهای پیش‌گفته نمایندگان محترم مجلس در چند دوره اخیر طرح استانی شدن انتخابات را با هدف تغییر حوزه‌های انتخابیه و نظام انتخاباتی فعلی، مطرح کرده که هر بار با ایرادات شورای نگهبان مواجه و در نهایت در اوایل سال ۱۳۹۰ از دستور کار مجلس خارج گردید.

لذا با عنایت به مطالب معنونه راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. تعیین حوزه‌های انتخابیه بر مبنای مرزهای اداری و نزدیکی مناطق به یکدیگر تا حد امکان؛
۲. اصلاح و تغییر نظام انتخاباتی فعلی در راستای افزایش بیشتر مشارکت سیاسی مردم و نقش و جایگاه احزاب؛
۳. ترسیم حوزه‌های انتخابیه به گونه‌ای که تفاوت ارزشی میان آرای انتخاب‌کنندگان به وجود نیامده و توازن اعتبار آراء برقرار گردد؛
- ۴- استفاده از سازوکار رأی وکالتی و مکاتبه‌ای در راستای حمایت از حقوق انتخاباتی مهاجرین ایرانی.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی‌پور، زهرا، محمدرضا حافظ‌نیا و عبدالوهاب خوج ملی. «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای سطوح تقسیمات کشوری مطالعه موردی شهرستان‌های استان فارس». فصلنامه ژئوپلیتیک ۱۴ (۱۳۸۸): ۲۹-۴۷.
- احمدی، علی. *انتخابات در ایران*. ویرایش اول. تهران: میزان، ۱۳۸۹.
- اطاعت، جواد. «قوانین و نظام انتخابات در دوران مشروطه». *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی* ۲۲۷ (۱۳۸۵): ۲۸۷-۲۷۶.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی.
- اوین اوژن، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، سفرنامه و بررسی‌های سفیر ایران در فرانسه. ترجمه و تحقیق علی اصغر سعیدی. تهران: نشر زوار، ۱۳۶۳.
- ایوبی، حجت‌الله. اکثریت چگونه حکومت می‌کنند. ویرایش دوم. تهران: سروش، ۱۳۸۲.
- ایرانی، جمشید. «معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه»، *روزنامه مردم‌سالاری*، ۱۳۸۰/۱۱/۲۴.
- ایوبی، حجت‌الله. «ویژگی‌های نظام انتخاباتی کارآمد»، *روزنامه جام‌جم*، ۱۳۷۹/۰۸/۰۲.
- بشیریه، حسین. *درس‌های دموکراسی برای همه*. ویرایش دوم. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
- تایلور، پی. جی.، آر. جی. جانستون. *جغرافیای انتخابات*. ترجمه و تحقیق زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری. تهران: قومس، ۱۳۸۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، مراد کاویانی‌راد. *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. ویرایش اول. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- خاتمی، سید محمد. «بررسی تحلیلی ایرادات شورای نگهبان به لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی». *مجله حقوق اساسی* ۱ (۱۳۷۲): ۳۷۷-۳۲۷.
- خسروی، حسن. *حقوق انتخابات دموکراتیک*. ویرایش اول. تهران: مجد، ۱۳۸۷.
- رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا و پدram سعید. «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه». *مجله مجلس و پژوهش* ۳۶ (۱۳۸۱): ۱۶۸-۱۴۵.
- سعد وکیل، امیر، پوریا عسگری. *قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی*. ویرایش چهارم. تهران: مجد، ۱۳۹۱.
- سائلی کرده ده، مجید. *سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران*. ویرایش اول. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- قاضی، سید ابوالفضل. *بایسته‌های حقوق اساسی*. ویرایش اول. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- قاضی، سید ابوالفضل. *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. ویرایش یازدهم. تهران: میزان، ۱۳۸۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و تجدیدنظر سال ۱۳۶۸.
- قانون اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها مصوب ۱۳۷۸.
- قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۰۵/۰۴.
- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲.

- قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.
- قانون انتخابات مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب.
- قانون انتخابات یک درجه و عمومی مصوب ۱۲۹۰ ه. ش.
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲.
- قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶.
- قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۵۰/۰۳/۱۵.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- قانون میزان تأثیر تغییرات در تقسیمات کشوری در محدوده حوزه‌های انتخاباتی مصوب ۱۳۷۰.
- گودوین گیل، گای اس. *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*. ویرایش اول. ترجمه و تحقیق سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوق شهر دانش، ۱۳۷۹.
- لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها مصوب ۱۳۹۰.
- لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی.
- لایحه قانونی انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸.
- مرکز مالگیری، احمد. «انتخابات آزاد و منصفانه». *مجله مجلس و پژوهش* ۴۶ (۱۳۸۴): ۹۰-۷۵.
- منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ میلادی.
- نظام‌نامه انتخابات اصنافی مصوب ۱۲۸۵ ه. ش.
- نظام‌نامه انتخابات دو درجه مصوب ۱۲۸۸ ه. ش.

Review Iranian Legislative Election Venue from the Viewpoint of the Criteria for Free and Fair Election Venue

Seyed Yasin Hosseini

Senior Ph.D. Student of Public Law and University Lecturer
Email: seyedyasinhosseini@yahoo.com

Iranian Parliament election venue is one of the most important executive stages of parliament election and if it plans truly, it will have positive influence on results of parliament's election and structure and bring legality of democracy. This requires observing criteria of free and fair election for determining electoral venues. A short look on transformations of Parliament's election related to regulations of Iranian election shows defects and problem in this regard. In order to solve such problems and to guarantee even more criteria of free and fair election, members of the Parliament provide a plan of election system transformation (transforming election to provincial nominee election) and submit it to the parliament. This plan could vindicate its goals relying on its capacities and positive point and considering its likely weak point. Therefore, this study firstly deals with Legislative Election venue and then analysis the mentioned plan.

Keywords: Free & Fair Elections, Election Venue, Electoral System, Islamic Consultative Assembly, Provincial Nominee Election.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVI, No. 2

2017-2

- **Explaining the Principles of Banking Regulation in the Perspective of the Legal System of Iran**
Dr. Ali Akbar Gorji - Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi
- **Determination Responsible for the Accident between Car Owner and Driver in Mandatory Insurance Law of Civil Liability Owner of Motorized Vehicles**
Dr. Hamid Bahrami Ahmadi - Reza Aghaabbasi
- **The Basis and Extent of Civil Liability of the Contractor**
Shahram Karimi Tazehkand - Dr. Mahmoud Erfani - Dr. Javad Vahedi Zadeh
- **International Law: The Law Based on the Coordination or Conflict?**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad - Dr. Hale Hosseini Akbarnezhad
- **Investigation of Juridical Principles of Article 852 of Civil Code**
Dr. Sayyed Mohammad Sadegh Tabatabaei - Fatemeh Karimi
- **The Principles of Independence and Impartiality in the Public Service Broadcasting with Emphasis on Iran**
Nafiseh Moarefi
- **Determination of Legal Regime Governing Commercial - Tourism Space Flights**
Amineh Farasatmand
- **The Fundamental Survey on Some Aspects of Bill of Exchange Based on Regulations of the New Commercial by-Law**
Dr. Hamid Miri - Sirous Shahriari - Mostafa Abedinpour
- **Review Iranian Legislative Election Venue from the Viewpoint of the Criteria for Free and Fair Election Venue**
Seyed Yasin Hosseini
- **Examining Law System of Health Service Insurance in Iran with Comparing Health Insurance in America**
Dr. Emran Naimi - Mohammad Sharifi Soltani
- **The Impact of Laws on Property Ownership on Urban Real Estate Transactions**
Shahnaz Seifolahi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study